

پیش بینی وقوع طلاق عاطفی بر اساس هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مساله در زنان

نگین موقری^{۱*}، آذر کیامرثی^۲

۱- کارشناس ارشد روانشناسی بالینی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

۲- استادیار، گروه روان شناسی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و پیش بینی وقوع طلاق عاطفی بر اساس هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مسئله در زنان انجام شد. روش مطالعه توصیفی از نوع همبستگی بوده و جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان زن متأهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ می باشد. نمونه گیری به روش در دسترس انجام شده و نمونه شامل ۱۰۰ نفر از زنان دانشجو بود. برای جمع آوری داده ها از ابزارهایی همچون پرسشنامه طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴)، پرسشنامه حل مسئله هپنر و پترسون (۱۹۸۲)، و پرسشنامه هوش هیجانی بار-ان (۲۰۰۰) استفاده شد. تحلیل داده ها با آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش ورود با نرم افزار SPSS ۱۸ انجام گرفت. نتایج نشان داد که هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مسئله نقش مهمی در پیش بینی طلاق عاطفی زنان دارند. هوش هیجانی توانایی تبیین ۴۶.۳ درصد از طلاق عاطفی زنان و مهارت های حل مسئله توانایی تبیین ۳۹.۳ درصد از طلاق عاطفی را داشت ($P < 0.01$). این یافته ها نشان می دهد که سطح هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مسئله، عوامل مؤثر بر کیفیت روابط زناشویی و کاهش خطر طلاق عاطفی می باشند. هوش هیجانی به افراد کمک می کند تا احساسات خود و شریک زندگی را درک و مدیریت کنند، ارتباط عاطفی مطلوب برقرار کنند، و در مواجهه با چالش های زندگی زناشویی، واکنش های مناسب تری نشان دهند. در مقابل، کاهش هوش هیجانی باعث تشدید اختلافات و روابط تیره میان زوجین می شود که از عوامل اصلی طلاق عاطفی است. همچنین، مهارت های حل مسئله به زوجین کمک می کند تا بتوانند مشکلات زناشویی را به شیوه ای سازنده حل کنند و از وخامت اختلافات جلوگیری نمایند. زوج هایی که از این مهارت ها برخوردار نیستند، بیشتر در معرض طلاق عاطفی قرار دارند. این پژوهش بر اهمیت تقویت مهارت های هوش هیجانی و حل مسئله به عنوان ابزاری برای کاهش آسیب های زناشویی و پیشگیری از طلاق عاطفی تأکید می کند. همچنین نتایج می تواند برای مشاوران و روانشناسان به منظور طراحی برنامه های آموزشی و حمایت مناسب زوجین مورد استفاده قرار گیرد.

کلمات کلیدی: طلاق عاطفی، هوش عاطفی/هیجانی، مهارت های حل مسئله، روابط زناشویی.

- مقدمه

طلاق^۱ یکی از تلخ ترین و ناگوارترین پیامدهای زندگی است که طبعاً برای گروه زیادی از انسان ها اجتناب ناپذیر است و متأسفانه در سال های اخیر افزایش آمار روزافزون آن را به یک روند و معضل مهم اجتماعی تبدیل کرده است (الیسون، والکر، گلاین و مارگارت^۲، ۲۰۱۱). طلاق را می توان شیوه ای نهادی شده و تحت نظارت سازمانهای اجتماعی، در راه پایان دادن به پیوند زناشویی دانست. به عبارت دیگر، طلاق خاتمه دادن به پیوند زناشویی تحت شرایط خاص قانونی، شرعی و عرفی است که پس از آن زن و شوهر نسبت به یکدیگر حقوق و تکالیفی ندارند (آقایی، ۱۳۸۷). البته جدایی قانونی و عرفی زوجین از دیدگاه دیگر، یک روی سکه می باشد. چرا که زوجینی هستند که از نظر عرفی و قانونی جدا نشده اند، اما در زندگی زناشویی از هم جدا هستند، چیزی که از آن به عنوان طلاق عاطفی^۳ یاد می شود (بخارایی، ۱۳۸۶). متفکران و جامعه شناسان طلاق عاطفی را یکی از آسیب های اجتماعی به شمار آورده و بالا رفتن میزان آن را نشانه بارز اختلال در اصول اخلاقی و به هم خوردن آرامش خانوادگی و در مجموع دگرگونی در هنجارهای اجتماعی محسوب می شود (پروین، داودی و محمدی، ۱۳۹۱). مطالعات نشان می دهد که در قرن نوزدهم تنها حدود ۵ درصد از ازدواجها به طلاق ختم می شد ولی در قرن بیستم و امروزه حدود نیمی از ازدواجها منجر به طلاق می شود (موسایی^۴، ۲۰۱۱).

یکی از متغیرهای که در این پژوهش در خصوص زنان دارای طلاق عاطفی مورد توجه است، هوش هیجانی^۵ عاطفی است. چرا که نظر برای این است که ویژگی های هوشی افراد، یکی از عوامل موثر بر زندگی مشترک است. رابینز^۶ (۲۰۰۳) معتقد است استفاده و بکارگیری بیشتر دانش مربوط به احساسات و هیجانات یکی از عوامل موثر موفقیت فردی/اجتماعی می باشد (آبراهم^۷، ۲۰۰۷). در واقع هوش هیجانی به عنوان توانایی ظرفیت و مهارت ادراک، ارزیابی و مدیریت هیجان فرد، دیگران و یا گروهی از افراد توصیف شده است (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴). در واقع هوش هیجانی توانایی شخصی برای ارائه پاسخ به شیوه سازگاران از لحاظ هیجانی است (سالوی^۸، ۲۰۰۰).

بعلاوه تعاملات بین زوجین می تواند توانایی حل مسئله بین آنها را تحت تاثیر قرار دهد. براین اساس متغیر دیگر مورد توجه در این پژوهش مهارت های حل مساله در زوجین می باشد. وقتی تعارض در رابطه زناشویی بروز می کند معمولاً طرفین رابطه سعی می کنند رفتارها و اقداماتی انجام دهند تا این تعارض از بین برود. تجارب، دانش، باورها و ارزش های افراد، شیوه های مختلفی را برای حل تعارضات پیش روی آنها می گذارد (حسینی، ۲۰۰۵). به فعالیتهای گسترده ای که به منظور یافتن و اجرای راه حل برای اصلاح یک وضعیت نامطلوب انجام می شوند، فراگرد حل مساله می گویند (قاسمی و احدی، ۱۳۸۲). حل مساله، مستلزم راهبردهای هدفمندی است که فرد به وسیله آن مشکلات را تعریف می کند، تصمیم به اتخاذ راه حل می گیرد، راهبردهای حل مسئله را انجام داده و برآن نظارت می کند (الیوت،

^۱ - divorce^۲ - Ellison, Walker, Glenn & Marquardt^۳ - emotional divorce^۴ - Musai^۵ - Emotional Intelligence^۶ - Robbins^۷ - Abraham^۸ - Salovey

شوچوک و ریچارد^۹، ۱۹۹۹). حل مسئله یک فرایند است که در آن فرد تلاش می کند که پاسخ مسائل خود را کشف نماید. هر مشکل را می توان دارای سه مولفه دانست: ۱- مفروضه ها ۲- هدف ۳- گردش مفروضه ها، حقایق یا اطلاعاتی مهیا شده هستند که مشکل را تعریف کنند. هدف، توضیحات پایدانی مطلوب مشکل است. گردش، کنش های انجام شده برای رسیدن به هدف مطلوب است (کسیدی و لانگ^{۱۰}، ۱۹۹۶).

با توجه به آنچه بیان شد این مطالعه با هدف بررسی وقوع طلاق عاطفی بر اساس هوش عاطفی/هیجانی و مهارتهای حل مساله صورت گرفت.

۱-۱. اهمیت و ضرورت پژوهش

کاهش عاطفه و محبت در میان افراد خانواده و به تبع آن سستی بنیاد خانواده ها از جمله پیامدهای جامعه متمدن و صنعتی امروز است، اما از آنجائی که خانواده سنگ بنای اجتماع محسوب می شود، پدیده طلاق به عنوان مسأله ای اجتماعی، از یک گرفتاری خصوصی به مسأله ای عام در ساخت اجتماعی تبدیل می شود که فراوانی غیرمتعارف آن به توجه جدی نیاز دارد (صفائی راد و وارسته، ۱۳۹۲). چنانچه مروری بر وضعیت طلاق ایران در سالهای اخیر، نشان دهنده سیر صعودی رشد طلاق است. براساس آمارهای منتشره سازمان ثبت احوال ایران، تعداد طلاق ثبت شده در کشور طی سالهای ۱۳۷۵-۱۳۹۳ با رشدی نزدیک به ۳ برابر (۲/۸ برابر) از ۷/۹ درصد طلاق در سال ۱۳۷۵ به رقم ۲۶/۲ درصد در سال ۱۳۹۳ افزایش یافته است. در مناطق شهری نسبت طلاق به ازدواج در سال از ۹/۲ به ۲۴/۶ درصد افزایش یافته است. این درحالیست که روند تغییرات این شاخص طی دوره زمانی مورد بررسی در مناطق روستایی با شدت کمتری از ۴/۲ به ۱۱/۹ طلاق در ۱۰۰ ازدواج در سال ۱۳۹۳ رسیده است (علیمندگاری و بی بی رازقی، ۱۳۹۵). با این حال آمارهای علائم شده مربوط به طلاق های رسمی و ثبت شده می باشد که در آن زوجین از هم جدا شده اند. در حالی که یکی از وحشتناک ترین طلاق ها، طلاق عاطفی بین زوجین می باشد که در این نوع طلاق، زوج به طور رسمی هنوز زن و شوهر هستند؛ اما از نظر عاطفی احساس انزوا می کنند زیرا تفاوت کمی بین زندگی با همسرشان و تنها زندگی کردن احساس می کنند. طلاق عاطفی به دلیل تناقضات موجود در گفته ها، اعمال و احساسات، یکی از دردناکترین شرایطی است که انسان می تواند در آن قرار گیرد و این در حالی است که مهمترین ویژگی در ازدواج که عشق و همراهی است، در رابطه وجود ندارد. افرادی که به این نقطه می رسند لزوماً از هم طلاق نمی گیرند، اما اگر به شدت به دنبال حل اختلاف و در بیشتر موارد کمک حرف های نباشند، زندگی زناشویی آنها تمام شده تلقی می شود (هاشمی و اصغری، ۱۳۹۵). براین اساس شناخت زوایای پنهان و مستتر طلاق عاطفی نیازمند مطالعات فراوان و دقیق است.

مسلماً طلاق عاطفی برای زوجین تأثیرات روانی/اجتماعی متفاوتی می تواند ایجاد نماید، که شناخت هریک از این تأثیرات نیازمند مطالعه می باشد که این عامل از دیگر اهمیت انجام این مطالعه می باشد. در مجموع تحقیق در باب طلاق عاطفی می تواند با کشف و تعمیق شناخت پدیده ی مورد بحث، زمینه ی شناخت علمی و گسترده آن را فراهم کند و به ارتقای فرهنگ جامعه در زمینه فرهنگ زناشویی و همچنین برای تدوین برنامه های اجتماعی مناسب در جهت سالم سازی کانون خانواده و جلوگیری از پیامدها و آثار زیان بار طلاق یاری رساند. همچنین با توجه به اینکه تاکنون پژوهشی به صورت

^۹ - Elliot, Shewchuk & Richard

^{۱۰} - Cassidy & Long

مستقیم در این خصوص صورت نگرفته است، نتایج حاصل از این پژوهش می تواند راهنما و راهگشای مطالعاتی بوده و نتایج حاصل از آن از سوی روانشناسان و مشاوران مورد استفاده قرار گیرد؛ تا بدین طریق گامی کوچک در کاهش هزینه های مالی، روانی و اجتماعی زیادی تحمیل شده بر دوش خانواده ها و جامعه وارد برداشته شود. با توجه به ضرورت و اهمیت های بیان شده، این مطالعه به بررسی نقش طلاق عاطفی در هوش هیجانی /عاطفی و مهارت های حل مسئله در زنان پرداخت.

۲-۱. اهداف تحقیق

اهداف اصلی

۱. پیش بینی وقوع طلاق عاطفی بر اساس هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مساله در زنان

اهداف جزئی

۱. پیش بینی طلاق عاطفی براساس هوش هیجانی/عاطفی زنان
۲. پیش بینی طلاق عاطفی براساس مهارت های حل مساله زنان

۳-۱. فرضیه های پژوهش

۱. هوش هیجانی/عاطفی در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان نقش دارد.
۲. مهارت های حل مسئله در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان نقش دارد.

۲. پیشینه های پژوهش

در تحقیقی کریمی پور زارع و همکاران (۱۳۹۶) به تعیین نقش هوش هیجانی و سلامت معنوی در پیش بینی طلاق عاطفی افراد متأهل شهر بوشهر پرداختند. افراد نمونه به تعداد ۲۷۲ نفر (۱۳۹ مرد و ۱۳۳ زن) با استفاده از روش نمونه گیری خوشه ایی تصادفی انتخاب شدند و پرسش نامه های طلاق عاطفی محمدی، هوش هیجانی شات و سلامت معنوی پولوتزین و الیسون را تکمیل کردند. در زمینه پیش بینی مؤلفه های هوش هیجانی و سلامت معنوی، نتایج نشان داد که تنظیم هیجانی پیش بینی کننده مؤلفه های طلاق عاطفی (واکنش عاطفی، آمیزش عاطفی، مشکلات جنسی، مشکلات منابع و قدرت) است. همچنین در زمینه نقش مؤلفه های سلامت معنوی در پیش بینی مؤلفه های طلاق عاطفی این نتیجه به دست آمد که سلامت وجودی همه مؤلفه های طلاق عاطفی را پیش بینی می کند و سلامت مذهبی، مؤلفه های سکوت و جبهه گیری، فقدان و افسردگی و محدود کردن را پیش بینی می نماید.

دیندار و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی به بررسی رابطه ی بین مهارت های زندگی و طلاق عاطفی (مورد مطالعه: افراد متأهل شهر شیراز) پرداختند. این پژوهش توصیفی از نوع همبستگی بود. جامعه آماری شامل کلیه افراد متأهل ساکن شهر

شیراز است. حجم نمونه، بر اساس فرمول کوکران ۳۸۴ نفر برآورد شد که با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای بر اساس مناطق دهگانه‌ی شهر شیراز انتخاب شدند. جهت گردآوری اطلاعات، از پرسش‌نامه‌ی طلاق عاطفی مریم اسکافی و پرسشنامه مهارت‌های زندگی زوجین که بر اساس شاخص مهارت‌های زندگی سازمان بهداشت جهانی ساخته شده استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله نرم‌افزار SPSS ۲۲ و با به کارگیری آزمون‌های ضریب همبستگی پیرسون و ضریب رگرسیون چندگانه انجام شده. نتایج ضریب همبستگی پیرسون حاکی از آن بود که بین مهارت‌های زندگی و ابعاد آن با طلاق عاطفی رابطه معنادار معکوس وجود دارد. نتایج تحلیل رگرسیون نیز نشان داد ۷۷/۷ درصد از تغییرات متغیر طلاق عاطفی توسط ابعاد مهارت‌های زندگی تبیین می‌شود؛ که نشان‌دهنده نقش و تأثیر مهم مهارت‌های زندگی در تبیین مسأله طلاق عاطفی است. از بین ابعاد مهارت‌های زندگی، مهارت‌های حل مسأله، ارتباط مؤثر و همدلی بیشترین اثر را در پیش‌بینی طلاق عاطفی داشتند.

فخری و همکاران (۱۳۹۷) در مطالعه خود به پیش‌بینی احتمال طلاق زنان بر اساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسأله خانواده پرداختند. این پژوهش به لحاظ هدف توسعه‌ای و از نظر روش همبستگی بود. جامعه آماری این پژوهش شامل زنان متأهل شهر مشهد بود که ب‌ا توجه به ماهیت روش پژوهش که جزء طرح‌های همبستگی محسوب می‌شود و تعداد متغیرهای پژوهشی، ۴۰۰ نفر به شیوه در دسترس انتخاب و به پرسشنامه‌های احتمال طلاق، اجتناب و اضطراب در روابط نزدیک و حل مسأله خانواده پاسخ دادند. از این تعداد در نهایت ۳۸۸ نفر به عنوان حجم نمونه تعیین شدند. برای بررسی نقش پیش‌بینی‌کنندگی دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسأله خانواده در احتمال طلاق از آزمون رگرسیون همزمان استفاده شد. نتایج حاصل از تحلیل داده‌ها نشان داد، ۲۲٪ اصلاح شده چندگانه بین متغیرهای دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسأله در احتمال طلاق ۰/۳۳ بوده که متغیرهای پیش‌بین ۳۳ درصد از واریانس احتمال طلاق را تبیین می‌کردند. از این بین، دلبستگی اجتنابی و مهارت حل مسأله قادر به پیش‌بینی احتمال طلاق بودند، اما دلبستگی اضطرابی نقشی در پیش‌بینی آن نداشت.

محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی به بررسی رابطه هوش هیجانی بر طلاق عاطفی زوجین کارمند پرداختند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه ۹۰ سوالی بار-آن و پرسشنامه ۲۴ سوالی طلاق عاطفی (EDS) گاتمن بوده فرضیه تحقیق با استفاده از روش همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت نتیجه فرضیه نشان داد که با توجه به مقدار همبستگی (۰/۷۲۸) بین هوش هیجانی و طلاق عاطفی زوجین رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

افراسیابی و رحیم (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی تأثیر عوامل فردی بر طلاق عاطفی پرداختند. در این پژوهش تعداد ۵۷ نفر از زنان مراجعه‌کننده مراکز مشاوره خانواده بودند که به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. نتایج به دست آمده نشان داد که درک همسر، ارتباط عاطفی با همسر، انتظارات همسر، درک شرایط همسر و استفاده از مواد مخدر از عوامل تأثیرگذار بر طلاق عاطفی می‌باشد. اما بین طلاق عاطفی شک و بدبینی، انتظارات نامناسب، تفاوت‌های شغلی، سن، تفاوت‌های آموزشی، ازدواج اجباری با طلاق عاطفی زوجین رابطه معناداری به دست نیامد.

صاحب‌حق، خورشیدی، عطری و جعفرآبادی (۲۰۱۷) در تحقیقی به بررسی رابطه خودکارآمدی و طلاق عاطفی در بین پرستاران در شهر رشت پرداختند. این پژوهش یک مطالعه مقطعی از نوع همبستگی بود. بدین منظور ۳۸۲ نفر از پرستاران واجد شرایط از مراکز آموزش عالی شهر رشت در شمال ایران به روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. ابزار پژوهش شامل پرسشنامه دو بخشی از مشخصات دموگرافیک و مقیاس طلاق هیجانی گتمن و مقیاس خودکارآمدی عمومی

توسط شرر بود. برای تجزیه و تحلیل داده ها، از آزمون t مستقل و ضریب همبستگی پیرسون با استفاده از نرم افزار SPSS ۱۹ استفاده شد. نتایج نشان داد که همبستگی معنی داری و معکوس بین میزان طلاق عاطفی و سطح خودکارآمدی وجود داشت.

شیندی^{۱۱} (۲۰۱۸) در نتایج مطالعه خود گزارش کرد زنان دارای مشکلات زناشویی (مرتبط با طلاق عاطفی) نمرات پایینی در مدیریت روابط و حل مسائل دریافت کردند.

صاحب آگاه و همکاران (۲۰۱۸) در نتایج مطالعه ای با هدف بررسی عوامل پیش بینی کننده طلاق عاطفی در زنان پرستار در شمال ایران، گزارش کردند که ارتباطات نامناسب، عدم توانایی حل مشکلات و تلاش برای طلاق گرفتن از عوامل مهم در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان پرستار بود.

در مطالعه ای دیووی^{۱۲} (۲۰۱۹) به بررسی نقش ظرفیت هیجانی و خلاقیت هیجانی در پیش بینی تعاملات زناشویی پرداخت. برای این منظور تعداد ۲۶۵ نفر از زوجین شهر ماستریخت^{۱۳} هلند مورد مطالعه قرار گرفتند. نتایج به دست آمده از این مطالعه نشان داد که بین ظرفیت هیجانی و خلاقیت هیجانی با تعاملات زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین براساس نتایج ظرفیت هیجانی و خلاقیت هیجانی ۴۱ درصد قدرت تبیین گری تعاملات زناشویی را داشت.

۳. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با توجه به اهداف و فرضیه های آن از توصیفی از نوع همبستگی می باشد. متغیرهای مورد بررسی در این تحقیق شامل طلاق عاطفی به عنوان متغیر ملاک و هوش هیجانی/عاطفی و مهارت های حل مسئله به عنوان متغیر پیش بین می باشد.

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل کلیه دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل در سال تحصیلی ۱۳۹۷-۱۳۹۸ می باشد. آمار این دانشجویان براساس گزارش معاونت دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل ۳۱۷۰ نفر می باشند.

نمونه پژوهش حاضر شامل ۱۰۰ نفر از دانشجویان زن متاهل دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل بودند که به روش نمونه گیری در دسترس انتخاب شدند. شناسایی افراد متاهل با پرسش مستقیم متاهل یا مجرد بودن صورت گرفت. همچنین در پژوهش های توصیفی- همبستگی حداقل نمونه برای مطالعه ۳۰ نفر پیشنهاد شده است (دلور، ۱۳۸۵)، که در این پژوهش به توجه به وجود سه متغیر و به منظور افزایش اعتبار بیرونی تعداد نمونه ۱۰۰ نفر در نظر گرفته شد.

۳-۱. ابزار گردآوری اطلاعات

^{۱۱} - Shinde

^{۱۲} - Deevoy

^{۱۳} - Maastricht

ابزار گردآوری اطلاعات در این تحقیق پرسشنامه ای می باشد که شامل:

- **الف) مقیاس طلاق عاطفی^{۱۴}:** این مقیاس توسط گاتمن^{۱۵} در سال ۱۹۹۴ تهیه شده که دارای ۲۴ سؤال می باشد. جواب داده می شوند، بعد از (بلی و خیر) سؤالات به صورت جمع کردن پاسخ های بله و خیر، اگر تعداد پاسخ های "بله" برابر با ۸ یا بالاتر از هشت بود نشان دهنده نارضایتی زندگی زناشویی و طلاق عاطفی است (گاتمن، ۱۹۹۹). به این معنا که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در او مشهود می باشد. پایایی آن در ایران ۰/۹۳ گزارش شده است (گاتمن، ۱۹۹۹). برای به دست آوردن روایی سازه از تحلیل عاملی به روش چرخشی واریماکس و آزمون اسکری استفاده شد و بدین صورت چهار عامل شناسایی شد: جدایی و فاصله از یکدیگر، احساس تنهایی و انزوا، نیاز به همراه و هم صحبت و احساس بی حوصلگی و بیقراری. بار عاملی همه سؤالات در دامنه ۰/۴۹ تا ۰/۸۰ قرار داشته و بار عاملی مقبولی دارند. روایی صوری آن نیز توسط متخصصان تأیید شده است (موسوی و رضازاده، ۱۳۹۳). پایایی این مقیاس در پژوهش اکبری، عظیمی و طالبی (۱۳۹۵) براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۳ بدست آمد.
- **ب) پرسشنامه حل مسأله:** پرسشنامه حل مسأله توسط هپنر و پترسون^{۱۶} (۱۹۸۲) برای سنجش درک پاسخ-دهندگان از رفتارهای حل مسأله تدوین شد و ۳۵ ماده دارد و در یک طیف پنج درجه ای مورد سنجش قرار می گیرد (هپنر و پترسون، ۱۹۸۲). این پرسشنامه با چندین نمونه از آزمودنی ها تنظیم و آزمایش شده است. آن همسانی درونی نسبتا بالایی با مقادیر آلفایی بین ۰/۷۲ تا ۰/۸۵ در خرده مقیاس ها ۰/۸۲ برای کنترل شخصی^{۱۷} ۰/۸۴ گرایش به مسئله^{۱۸}، اعتماد در حل مسئله^{۱۹} و ۰/۹۰ برای مقیاس کلی دارد (هپنر و پترسون، ۱۹۸۲). روایی آزمون نشان داد که ابزار سازه هایی را اندازه گیری می کنند که مربوط به متغیرهای شخصیتی و به طور قابل ملاحظه ای مرکز کنترل هستند (هپنر و پترسون، ۱۹۸۲). پایایی بازآزمایی نمره کل پرسشنامه در فاصله دو هفته در دامنه ای از ۰/۸۳ تا ۰/۸۹ گزارش شده که بیانگر این است که پرسشنامه حل مسئله ابزاری پایا برای سنجش توانایی حل مسئله است (هپنر و اندرسون، ۱۹۸۵). همچنین در پژوهش محزون زاده (۱۳۹۶) ضریب همسانی درونی این پژوهش براساس آلفای کرونباخ ۰/۸۵ به دست آمده است. بعلاوه در پژوهشی راستگو و همکاران (۱۳۸۹) پایایی این پرسشنامه براساس دوبار اجرا در فاصله دو هفته بین ۰/۸۳ تا ۰/۸۹ گزارش کرده اند.
- **ج) پرسشنامه هوش هیجانی باران:** این پرسشنامه به طور کمی دو مفهوم پیچیده هوش هیجانی (یعنی مجموعه ای از قابلیت ها و مهارت های غیر شناختی که توانایی فرد را برای موفقیت و بر آوردن خواست ها و نیازهای محیطی، تحت تاثیر قرار می دهد) و سلامت هیجانی کنونی را توصیف و ارزیابی می کند (بار-آن، ۱۹۹۷). این پرسشنامه حاوی ۳۳ سوال و نخستین پرسشنامه معتبر فرا فرهنگی ارزیابی هوش هیجانی است (بار-آن، ۲۰۰۰) که در سال ۱۹۹۷ توسط روون بار-آن ساخته شد و مشتمل بر یک نمره کلی (هوش بهر

^{۱۴} - emotional divorce scale

^{۱۵} - Gottman

^{۱۶} - Heppner & Petersen

^{۱۷} - Personal Control

^{۱۸} - Approach Avoidance Style:

^{۱۹} - Problem-Solving Confidence

هیجانی کلی)، پنج عامل مرکب روابط درون فردی، روابط بین فردی، مقابله با فشار، سازگاری، خلق کلی و یک شاخص هماهنگی و ۵ خرده مقیاس است. ضریب آلفای کرونباخ در محاسبه درونی برای تمامی خرده مقیاس ها بالا است. از ضریب آلفای کرونباخ پایین (۰/۶۹) برای خرده مقیاس مسولیت پذیری اجتماعی تا ضریب آلفای کرونباخ بالا (۰/۸۶) برای خرده مقیاس احترام به خود اب میانگین کلی ضریب همسانی درونی ۰/۷۶ (بارن ان، ۱۹۹۷). در ایران دهشتی (۱۳۸۲) به بررسی روایی و پایایی آن پرداخته است. همچنین شمش آبادی (۱۳۸۳) ضریب پایایی به روش آلفای کرونباخ را در دامنه ای بین ۰/۵۵ برای خرده مقیاس همدلی تا ۰/۸۳ برای خرده مقیاس مهارت‌کنانه با میانگین ۰/۷۰ بدست آورده است (ابوالقاسمی و نریمانی، ۱۳۸۴).

۳-۲. روش گردآوری داده‌ها

از اصلی ترین بخش های هر کار پژوهشی را جمع آوری اطلاعات تشکیل می دهد. چنانچه این کار به شکل منظم و صحیح صورت پذیرد کار تجزیه و تحلیل و نتیجه گیری از داده ها با سرعت و دقت خوبی انجام خواهد شد. روش گردآوری در این پژوهش به صورت میدانی و کتابخانه ای می باشد. به این صورت که پس از دریافت کسب مجوزهای لازم از دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل مبنی بر اجرای پژوهش حاضر، اقدام به انتخاب نمونه پژوهشی شد. برای این منظور نمونه تعداد ۱۰۰ نفر از دانشجویان متاهل (زن) به روش نمونه گیری دردسترس انتخاب شدند. شناسایی افراد متاهل با پرسش مستقیم متاهل یا مجرد بودن صورت گرفت. سپس پژوهشگر اهداف پژوهشی را برای آنان توضیح داده بعد پرسشنامه های پژوهشی (پرسشنامه طلاق عاطفی، مهارت های حل مسئله و هوش هیجانی) در اختیار آنان قرار داده شد تا تکمیل کنند، در نهایت پرسشنامه ها جمع آوری شده و داده ها توسط نرم افزار آماری SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات ابتدا به صورت توصیفی می باشد که شامل درصد، فراوانی، میانگین، انحراف معیار و غیره و در بخش دوم برای آزمون فرضیه پژوهشی از آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه به روش ورود استفاده شد. که برای این منظور از نرم افزار آماری SPSS^{۱۸} بهره گرفته شد.

۴. یافته های پژوهش

در این بخش در ابتدا نتایج حاصل از یافته‌های جمعیت شناختی، سپس یافته‌های توصیفی به صورت جداول فراوانی و درصد متغیرهای مورد مطالعه ارائه می‌شود. همچنین برای متغیرهای کمی نیز شاخص‌های مرکزی و پراکندگی استخراج شده است. در ادامه و در بخش یافته‌های استنباطی از آزمون رگرسیون چندگانه به روش ورود و ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است.

۴-۱. یافته های جمعیت شناختی

جدول (۱): توزیع فراوانی و درصد تحصیلات زنان مورد مطالعه

تحصیلات	فراوانی	درصد
کارشناسی	۲۴	۲۴
کارشناسی ارشد	۵۷	۵۷
دکتری	۱۹	۱۹
کل	۱۰۰	۱۰۰

همانطور که در جدول (۱) مشاهده می شود ۲۴ درصد پاسخگویان دارای تحصیلات کارشناسی، ۵۷ درصد کارشناسی ارشد و ۱۹ درصد دکتری هستند.

جدول (۲): توزیع فراوانی و درصد تعداد فرزند زنان مورد مطالعه

تحصیلات	فراوانی	درصد
بدون فرزند	۵۳	۵۳
۱ فرزند	۲۷	۲۷
۲ فرزند	۱۶	۱۶
بیش از دو فرزند	۴	۴
کل	۱۰۰	۱۰۰

همانطور که در جدول (۲) مشاهده می شود ۴ درصد پاسخگویان با کمترین فراوانی دارای بیش از دو فرزند و ۵۳ درصد با بیشترین فراوانی بدون فرزند هستند.

جدول (۳): میانگین و انحراف معیار سن و مدت ازدواج زنان مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار
سن	۳۰/۱۸	۵/۷۲
مدت ازدواج	۵/۲۴	۱/۳۱

همانطور که در جدول (۳) مشاهده می شود میانگین (و انحراف معیار) سن زنان مورد مطالعه ۳۰/۱۸ (۵/۷۲) و مدت ازدواج ۵/۲۴ (۱/۳۱) می باشد.

۲-۴. یافته های توصیفی

جدول (۴): میانگین و انحراف معیار طلاق عاطفی و مهارت های حل مسئله در زنان مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار
طلاق عاطفی	۱۴/۰۳	۳/۱۹
کنترل شخصی	۲۷/۱۴	۴/۱۵
گرایش به مسئله	۲۹/۵۰	۴/۹۷
اعتماد در حل مسئله	۲۶/۰۸	۴/۱۳
نمره کل	۶۱/۴۱	۷/۴۲

طبق نتایج جدول (۴) میانگین طلاق عاطفی ۱۴/۰۳، کنترل شخصی ۲۷/۱۴، گرایش به مسئله ۲۹/۵۰، اعتماد در حل مسئله ۲۶/۰۸ و مهارت های حل مسئله ۶۱/۴۱ است.

جدول (۵): میانگین و انحراف معیار متغیر هوش عاطفی/هیجانی پژوهش در زنان مورد مطالعه

متغیر	میانگین	انحراف معیار
مهارت درون گرایی	۱۶/۳۳	۶/۸۵
مهارت برون گرایی	۱۴/۶۵	۳/۵۴
سازگاری	۱۳/۶۳	۲/۳۶
خلق عمومی	۱۴/۲۲	۲/۲۸
کنترل استرس	۱۶/۷۸	۳/۶۶
هوش عاطفی/هیجانی	۸۰/۱۴	۹/۳۲

طبق نتایج جدول (۵) میانگین مهارت درون گرایی ۱۶/۳۳، مهارت برون گرایی ۱۴/۶۵، سازگاری ۱۳/۶۳، خلق عمومی ۱۴/۲۲، کنترل استرس ۱۶/۷۸ و هوش عاطفی/هیجانی ۸۰/۱۴ است.

۴-۳. یافته های (استنباطی) مربوط به فرضیه ها

جدول (۶): آزمون کولموگراف- اسمیرنوف برای توزیع نمرات متغیرهای مورد مطالعه

متغیرها	چولگی	کشیدگی	کولموگراف اسمیرنوف	P
طلاق عاطفی	۱/۱۲	۱/۲۷	۰/۹۶۴	۰/۲۸۷
هوش عاطفی/هیجانی	۱/۰۹	۱/۱۰	۱/۱۸۵	۰/۱۴۱
مهارتهای حل مساله	۱/۲۵	۱/۳۸	۱/۳۰۱	۰/۰۹۲

در جدول (۶) نتایج آزمون کولموگراف اسمیرنوف جهت بررسی نرمال بودن توزیع نمرات متغیرهای مورد مطالعه ارائه شده است. همانگونه که مشاهده می شود توزیع نمرات متغیرها نرمال است ($P > 0/05$).

فرضیه های پژوهش

هوش هیجانی/عاطفی در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان نقش دارد.

در راستایی تحلیلی داده های مربوط به فرضیه های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه مدل همزمان استفاده شد. براین اساس ابتدا پیش فرض های این روش به شرح ذیل بررسی شد:

الف) پیش فرض از شاخص دوگانه هم خطی چندگانه یعنی شاخص توزیع واریانس (VIF) و شاخص تحمل (Tolerance) به شرح ذیل استفاده شد:

جدول (۴): شاخص های هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین

متغیر شاخص	مهارت درون گرایی	مهارت برون گرایی	سازگاری	خلق عمومی	کنترل استرس	هوش هیجانی
VIF	۱/۲۰۱	۱/۳۶۴	۱/۱۰۹	۱/۱۲۹	۱/۰۹۷	۱/۳۲۰
Tolerance	۰/۸۵۷	۰/۷۶۴	۰/۸۸۰	۰/۸۲۵	۰/۸۹۵	۰/۷۸۱

مندرجات جدول (۷) نشان می دهد که پیش فرض هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین محقق شده است چرا که مقادیر VIF محاسبه شده در حد مطلوب (کوچتر از ۲) قرار دارد و مقادیر Tolerance متغیرهای پیش بین در حد مطلوب (نزدیک به عدد ۱) قرار دارند.

ب) پیش فرض استقلال منابع خطای متغیرها:

برای بررسی این پیش فرض از آزمون دوربین- واتسون به شرح جدول ذیر استفاده شد:

جدول (۸): آزمون دوربین - واتسون

مقدار	آزمون
۱/۵۴۰	دوربین - واتسون

مندرجات جدول (۸) نشان می دهد که پیش فرض استقلال منابع خطا محقق شده است. چرا که مقدار آزمون دوربین - واتسون در حد مطلوب (مابین ۱/۵ تا ۲/۵) قرار گرفته است.

نظر به اینکه پیش فرض های اختصاصی رگرسیون چندگانه محقق شده است، لذا آزمون فرضیه ها و تحلیل سوالات پژوهشی به شرح ذیل انجام گرفت:

جدول (۹): نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی طلاق عاطفی از طریق هوش هیجانی/عاطفی در زنان

P	T	ضرایب استاندارد			متغیرهای پیش بین
		BETA	SE	B	
۰/۰۰۱	۱۱/۸۵۴	-	۲/۴۲۰	۳۰/۱۲۵	Constant
۰/۰۰۱	-۸/۳۰۲	-۰/۵۱۰	۰/۰۳۳	-۰/۳۲۰	مهارت درون گرایی
۰/۰۰۲	-۴/۶۲۳	-۰/۳۷۱	۰/۰۳۹	-۰/۱۸۴	مهارت برون گرایی
۰/۰۰۱	-۴/۸۶۰	-۰/۳۹۰	۰/۰۳۵	-۰/۱۹۹	سازگاری
۰/۰۰۱	-۳/۹۶۰	-۰/۳۲۸	۰/۰۴۲	-۰/۱۵۵	خلق عمومی
۰/۰۱	-۲/۶۳۵	-۰/۲۰۳	۰/۰۴۵	-۰/۱۲۰	کنترل استرس
۰/۰۰۱	-۸/۰۲۹	-۰/۴۷۶	۰/۰۳۱	-۰/۳۱۱	هوش عاطفی/هیجانی
F= ۲۵/۱۰۹		R = ۰/۶۸۱	R ² = ۰/۴۶۳	P<۰/۰۰۱	

برای تعیین نقش هر یک از هوش عاطفی / هیجانی و مولفه های آن به عنوان متغیر پیش بین و طلاق عاطفی زنان به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. همانطور که در جدول شماره (۹) مشاهده می شود میزان F مشاهده شده معنادار است ($p < 0/001$) و $46/3$ درصد از طلاق عاطفی زنان توسط هوش عاطفی / هیجانی و مولفه های تبیین می شود. با توجه به مقادیر بتا مهارت درون گرایی ($\beta = -0/51$)، مهارت برون گرایی گرایی ($\beta = -0/37$)، سازگاری گرایی ($\beta = -0/39$)، خلق عمومی گرایی ($\beta = -0/32$)، کنترل استرس گرایی ($\beta = -0/20$) و هوش عاطفی / هیجانی گرایی ($\beta = -0/47$) می توانند تغییرات مربوط به طلاق عاطفی زنان را به صورت معنی داری پیش بینی کنند.

فرضیه های پژوهش

مهارت های حل مسئله در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان نقش دارد.
در راستایی تحلیل داده های مربوط به فرضیه های پژوهش از روش تحلیل رگرسیون چندگانه مدل همزمان استفاده شد. براین اساس ابتدا پیش فرض های این روش به شرح ذیل بررسی شد:
الف) پیش فرض از شاخص دوگانه هم خطی چندگانه یعنی شاخص توزیع واریانس (VIF) و شاخص تحمل (Tolerance) به شرح ذیل استفاده شد:

جدول (۱۰): شاخص های هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین

متغیر شاخص	کنترل شخصی	گرایش به مسئله	اعتماد در حل مسئله	حل مسئله
VIF	۱/۲۳۶	۱/۲۵۰	۱/۵۴۰	۱/۶۰۴
Tolerance	۰/۸۵۶	۰/۸۳۰	۰/۸۵۵	۰/۷۹۸

مندرجات جدول (۱۰) نشان می دهد که پیش فرض هم خطی چندگانه متغیرهای پیش بین محقق شده است چرا که مقادیر VIF محاسبه شده در حد مطلوب (کوچکتر از ۲) قرار دارد و مقادیر Tolerance متغیرهای پیش بین در حد مطلوب (نزدیک به عدد ۱) قرار دارند.

ب) پیش فرض استقلال منابع خطای متغیرها:

برای بررسی این پیش فرض از آزمون دوربین- واتسون به شرح جدول ذیل استفاده شد:

جدول (۱۱): آزمون دوربین - واتسون

آزمون	مقدار
-------	-------

مندرجات جدول (۱۱) نشان می دهد که پیش فرض استقلال منابع خطا محقق شده است. چرا که مقدار آزمون دوربین - واتسون در حد مطلوب (مابین ۱/۵ تا ۲/۵) قرار گرفته است. نظر به اینکه پیش فرض های اختصاصی رگرسیون چندگانه محقق شده است، لذا آزمون فرضیه ها و تحلیل سوالات پژوهشی به شرح ذیل انجام گرفت:

جدول (۱۲): نتایج تحلیل رگرسیون چندگانه برای پیش بینی طلاق عاطفی از طریق مهارت های حل مسئله در زنان

P	T	ضرایب استاندارد	ضرایب غیر استاندارد		متغیرهای پیش بین
		BETA	SE	B	
۰/۰۰۱	۱۰/۳۶۸	-	۲/۲۶۳	۲۶/۷۷۰	Constant
۰/۰۰۱	-۷/۲۴۱	-۰/۴۳۶	۰/۰۳۹	-۰/۳۰۱	کنترل شخصی
۰/۰۰۵	-۳/۰۳۵	-۰/۲۰۳	۰/۰۴۲	-۰/۱۳۰	گرایش به مسئله
۰/۰۰۱	-۴/۷۶۰	-۰/۳۸۲	۰/۰۳۴	-۰/۲۱۶	اعتماد در حل مسئله
۰/۰۰۱	-۷/۸۵۷	-۰/۴۵۰	۰/۰۴۸	-۰/۳۱۲	مهارت های حل مسئله
		F= ۲۱/۳۱۲	R = ۰/۶۲۷	R ^۲ = ۰/۳۹۳	P<۰/۰۰۱

برای تعیین نقش هر یک از مهارت های حل مسئله و مولفه های آن به عنوان متغیر پیش بین و طلاق عاطفی زنان به عنوان متغیر ملاک در معادله رگرسیون تحلیل شدند. همانطور که در جدول شماره (۴-۱۲) مشاهده می شود میزان F مشاهده شده معنادار است ($p < ۰/۰۰۱$) و $۳۹/۳$ درصد از طلاق عاطفی زنان توسط مهارت های حل مسئله و مولفه های تبیین می شود. با توجه به مقادیر بتا کنترل شخصی ($\beta = -۰/۴۳$)، گرایش به مسئله ($\beta = -۰/۲۰$)، اعتماد در حل مسئله ($\beta = -۰/۳۸$) و مهارت های حل مسئله ($\beta = -۰/۴۵$) می توانند تغییرات مربوط به طلاق عاطفی زنان را به صورت معنی داری پیش بینی کنند.

۴-۴- یافته های جانبی

جدول (۱۳): ضریب همبستگی بین هوش عاطفی/هیجانی با طلاق عاطفی در زنان

هوش عاطفی / هیجانی	آماره	انعطاف روانی
--------------------	-------	--------------

مهارت درون گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/402^{**}$
مهارت برون گرایی	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/353^{**}$
سازگاری	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/384^{**}$
خلق عمومی	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/304^{**}$
کنترل استرس	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/288^{**}$
هوش عاطفی/هیجانی	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/413^{**}$

همانطور که جدول (۱۳) نشان می دهد بین مهارت درون گرایی ($r=-0/402$)، مهارت برون گرایی ($r=-0/353$)، سازگاری ($r=-0/384$)، خلق عمومی ($r=-0/304$)، کنترل استرس ($r=-0/288$) و هوش عاطفی/هیجانی ($r=-0/413$) با طلاق عاطفی در زنان رابطه معنادار دارند ($p < 0/01$).

جدول (۱۴): ضریب همبستگی بین مهارت های حل مسئله با طلاق عاطفی در زنان

هوش عاطفی / هیجانی	آماره	انعطاف روانی
کنترل شخصی	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/412^{**}$
گرایش به مسئله	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/203^{**}$
اعتماد در حل مسئله	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/285^{**}$
مهارت های حل مسئله	ضریب همبستگی پیرسون	$-0/415^{**}$

همانطور که جدول (۱۴) نشان می دهد بین کنترل شخصی ($r=-0/412$)، گرایش به مسئله ($r=-0/203$)، اعتماد در حل مسئله ($r=-0/285$) و مهارت های حل مسئله ($r=-0/415$) با طلاق عاطفی در زنان رابطه معنادار دارند ($p < 0/01$).

۵. بحث و نتیجه گیری

فرضیه اول پژوهش این بود که هوش هیجانی/عاطفی در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان نقش دارد. نتایج به دست آمده در این خصوص نشان داد که ۴۶/۳ درصد از طلاق عاطفی زنان توسط هوش عاطفی/هیجانی و مولفه های آن تبیین می شود ($P < 0/01$). بنابراین می توان گفت که فرضیه مربوطه تایید می شود. نتایج به دست آمده با یافته های رقیبی و قره

چاهی (۱۳۹۲)، گلاسی و همکاران (۲۰۱۴)، یعقوب زاده و همکاران (۱۳۹۳)، پژوهش پیمانی (۱۳۹۵)، افراسیابی و رحیم (۲۰۱۶)، کریمی پور زارع و همکاران (۱۳۹۶)، بیساتوون، لکومن و اوسمن (۲۰۱۷)، محمدی و همکاران (۱۳۹۸) و دیوای (۲۰۱۹) همخوانی داشت.

در این راستا محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در تحقیقی نشان دادند بین بین هوش هیجانی و طلاق عاطفی زوجین رابطه منفی و معنا داری وجود دارد. همچنین در تحقیقی کریمی پور زارع و همکاران (۱۳۹۶) بیان کردند که مؤلفه های هوش هیجانی و سلامت معنوی توانایی پیش بینی طلاق عاطفی را دارند. همچنین پیمانی (۱۳۹۵) در تحقیقی نشان داد که بین هوش هیجانی و سبکهای دلبستگی با تعارضات زناشویی رابطه ای منفی و معکوس وجود دارد همچنین ابعاد هوش هیجانی توانستند ۳۸ درصد از تعارضات زناشویی را تبیین کنند و سبکهای مختلف دلبستگی هم ۲۲ درصد از تعارضات زناشویی را پیش بینی کرده اند. رقیبی و قره چاهی (۱۳۹۲) در تحقیقی نشان داد زنان و مردان در شرف طلاق در هوش هیجانی و هوش معنوی نمرات پایینتری در مقایسه با زوجین سازگار دریافت کردند. همچنین مطالعه یعقوب زاده و همکاران (۱۳۹۳) نیز نشان داد که هوش معنوی قادر به پیش بینی طلاق عاطفی می باشد. همچنین بیساتوون و همکاران (۲۰۱۷) در نتایج مطالعه خود نشان دادند پردازش مناسب هیجانات (مرتبط با هوش هیجانی) با سازگاری زناشویی رابطه مثبت و معناداری دارد. این نتیجه در مطالعه گلاسی و همکاران (۲۰۱۴) نیز به دست آمد. در مطالعه ای دیوای (۲۰۱۹) نشان داد که بین ظرفیت هیجانی و خلاقیت هیجانی با تعاملات زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. همچنین براساس نتایج ظرفیت هیجانی و خلاقیت هیجانی ۴۱ درصد قدرت تبیین گری تعاملات زناشویی را داشت.

در تبیین این یافته می توان بیان نمود که براساس نظریه گلمن، هوش هیجانی/عاطفی توانایی ابراز مناسب و صحیح هیجان، استفاده از هیجان برای تسهیل افکار، ادراک و فهم مناسب هیجان خود و دیگران و مدیریت هیجان برای ارتقای رفتار سازگاران و رشد شخصی را فراهم می آورد (روسن و کرانزیر ۲۰۰۹). براسن اساس، افراد دارای هوش هیجانی بالا توانایی بیشتری در درک همسر، بروز عواطف و احساسات، پیش بینی احساسات و هیجانات خود و همسر را دارند که سبب توانایی اداره مطلوب خلق و خو، وضع روانی و کنترل تکانه ها در میان آنها می شود، که این عامل به عنوان مانعی برای پیشگری از طلاق عاطفی بین آنان می گردد.

بعلاوه هوش هیجانی بالا به ایجاد فضای مناسب برای تلاقی و تبادل احساسات و عواطف میان خود و همسر کمک می کند تا موقع مواجهه با مشکلات، رویدادهای استرس زا و اختلافات زناشویی از روش های مؤثر و کارآمدتری استفاده کنند. علاوه بر این، هوش هیجانی به افراد کمک می کنند تا به موقع و به اندازه نسبت به همسر، علاقه و محبت خود را ابراز نمایند که باعث کاهش بدبینی و بالا رفتن سطح رضایت و کیفیت زندگی زناشویی می شود. از طرف دیگر افرادی که هوش هیجانی پایین دارند، تشخیص و چرایی هیجانات خود و دیگران برای آنها مشکل است یا نمی توانند هیجان متناسب با موقعیت از خود نشان دهند. این موضوع زمینه ساز هیجانات منفی دیگر و رفتارهای نامتناسب با موقعیت می شود که سبب تشدید اختلافات بین زوجین، تیره شدن روابط بین آنها و در نهایت طلاق عاطفی خواهد شد (کریمی زارع و همکاران، ۱۳۹۶).

فرضیه دیگر پژوهش این بود که مهارت های حل مسئله در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان نقش دارد. نتایج به دست آمده در این خصوص نشان داد که ۳۹/۳ درصد از طلاق عاطفی زنان توسط مهارت های حل مسئله و مولفه های آن تبیین می شود. بنابراین می توان گفت که فرضیه مربوطه تایید می شود. نتایج به دست آمده با یافته های رابرتز (۲۰۰۰)، کولای و همکاران (۲۰۱۰)، تیپیس (۲۰۱۵)، احمدی و فرهادی (۱۳۹۶)، فخری و همکاران (۱۳۹۷)، شیندی (۲۰۱۸)، صاحب آگاه و همکاران (۲۰۱۸) همسویی داشت.

نتایج پژوهش رابرتز (۲۰۰۰) بر نقص مهارت های حل مسئله و مشکل در حل تعارض به عنوان یکی از عوامل موجد مشکلات زناشویی اشاره کرده است. دیندار و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیقی نشان داد ۷۷/۷ درصد از تغییرات متغیر طلاق عاطفی توسط ابعاد مهارت های زندگی تبیین می شود. در این خصوص شیندی (۲۰۱۸) در نتایج مطالعه خود گزارش کرد زنان دارای مشکلات زناشویی (مرتبط با طلاق عاطفی) نمرات پایینی در مدیریت روابط و حل مسائل دریافت کردند. همچنین صاحب آگاه و همکاران (۲۰۱۸) در نتایج مطالعه ای با هدف بررسی عوامل پیش بینی کننده طلاق عاطفی در زنان پرستار، گزارش کردند که ارتباطات نامناسب، عدم توانایی حل مشکلات و تلاش برای طلاق گرفتن از عوامل مهم در پیش بینی طلاق عاطفی در زنان پرستار بود. تیپیس (۲۰۱۵) در تحقیقی تحت عنوان عوامل مؤثر بر طلاق زوجین، عدم توانایی حل مسئله را یکی از مهم ترین عوامل مؤثر بر طلاق گزارش کردند. فخری و همکاران (۱۳۹۷) در نتایج مطالعه خود گزارش کردند که دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده ۳۳ درصد از واریانس احتمال طلاق عاطفی را تبیین می کردند.

در تبیین این یافته قابل بیان است که مهارت حل مسئله به منزله سپری در مقابل تأثیرات منفی حوادث اضطراب زا و چالش برانگیز زندگی بوده و افرادی که واجد این مهارت نباشند بیشتر در معرض مسائل ناخوشایند قرار می گیرند. افرادی که دارای مهارت حل مسئله هستند در مقایسه با دیگران ناکامی کمتری را تجربه کرده و به شیوه مناسب تر و کارآمدتر می توانند در مورد ابعاد دیگر کنترل مسئله تفکر کنند. نتایج پژوهش لویی (۱۳۹۲) این را تأیید می کند که بین شیوه حل مسئله، شیوه مقابله با تعارض و سلامت روانشناختی رابطه معناداری وجود دارد. چراکه مهارت های حل مسئله به صورت مستقیم به مسئله سازگاری مربوط می شوند. افرادی که از توانایی حل مسئله برخوردار نیستند به محض اینکه با مانعی روبرو می شوند ممکن است رفتارهای تکانشی از خود بروز دهند، احساس ناکامی کرده و پرخاشگر شوند یا برای پرهیز از موقعیت مشکل زا گوشه گیر شوند. تکرار چنین موقعیت هایی ممکن است به ایجاد و بروز رفتارهای غیر انطباقی منجر شود (شور^{۲۱}، ۲۰۰۱). رابطه بین زوجین هم به عنوان یکی از مهمترین روابط بین فردی مستعد تعارض و اختلاف نظرهای گوناگونی است که اگر زوجین قادر نباشند به روشی کارآمد به حل آنها بپردازند زندگیشان دستخوش ناملایمات و ناکامی ها شده در نتیجه افزایش مسائل حل نشده بین آنها تاب آوری را پایین آورده و می تواند یک پیش بینی کننده مهم در اثباتی ازدواج بشود. در نتیجه می توان گفت توانایی حل مسئله یکی از عوامل تعدیل کننده اثرات رویدادهای منفی زندگی است و به نگرش، مهارت و توانایی هایی اشاره دارد که فرد را قادر می سازد در برابر هر یک از مشکلات زندگی راه حل مؤثر و سازگارانه را انتخاب کند (لویی، ۱۳۹۲).

این مطالعه با هدف پیش بینی وقوع طلاق عاطفی براساس هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مساله در زنان انجام شد. نتایج به دست آمده در این خصوص نشان داد که هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مساله در پیش بینی

^{۲۱} - Shure

طلاق عاطفی در زنان نقش دارد. به طوری که ۴۶/۳ درصد از طلاق عاطفی زنان توسط هوش عاطفی/هیجانی و مولفه های آن و ۳۹/۳ درصد توسط مهارت های حل مسئله و مولفه های آن تبیین می شود ($P < 0/01$). نتایج به دست آمده بر لزوم توجه به متغیرهای مربوط به هوش عاطفی/هیجانی و مهارت های حل مساله در زندگی زناشویی تاکید دارد.

۶. پیشنهادات

۶.۱. پیشنهادات پژوهشی

۱. پیشنهاد می شود که در مطالعات آتی وضعیت فرهنگی / اقتصادی گروه های مورد مطالعه کنترل گردد تا نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم بیشتری یابد.
۲. پیشنهاد می گردد در مطالعات آتی از روش های نمونه گیری احتمالی بهره گرفته شود.
۳. پیشنهاد می شود چنین پژوهشی بر روی هر دو جنسیت صورت گیرد.

۶.۲. پیشنهاد کاربردی پژوهش

۱. با توجه به نتایج به دست آمده در خصوص نقش هوش هیجانی/عاطفی در پیش بینی طلاق عاطفی زنان، پیشنهاد می شود تا روانشناسان و مشاوران خانوادگی در هنگام مشاوره با زوجین دارای طلاق عاطفی هوش عاطفی/هیجانی آنان را مورد توجه قرار دهند.
۲. با توجه به نتایج به دست آمده در خصوص نقش مهارت های حل مسئله در پیش بینی طلاق عاطفی زنان، پیشنهاد می شود تا روانشناسان و مشاوران خانوادگی در هنگام مشاوره با زوجین دارای طلاق عاطفی مهارت های به منظور حل مسئله برای آنان تدارک ببینند.

منابع

- آقاییوسفی، علیرضا و شریف، نسیم. (۱۳۹۰). رابطه سبکهای حل مسئله و بهزیستی شخصی در دانشجویان. اندیشه و رفتار، ۶(۲)، ۷۹-۸۸.
- آقایی، بهمن. (۱۳۸۷). فرهنگ حقوق بهمن. انگلیسی- فارسی، تهران: انتشارات کتابخانه گنج دانش.
- احمدی، سیروس و فرهادی، الهام. (۱۳۹۶). بررسی رابطه مهارت حل مسئله و احساس امنیت در بین زنان. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۶(۱۷)، ۳۳-۴۴.
- اسدی، اسماعیل. (۱۳۸۲). اثر بخشی آموزش مؤلفه های هوش هیجانی از طریق درونگردی جذب و انطباق بر ارتقاء سلامت روانی دانشجویان. مجموعه مقالات چهارمین همایش بهداشت روانی دانشجویان شیراز.

- اسلاوین، رابرت ای. (۱۹۵۰). روانشناسی تربیتی- نظریه ها و کاربرت. ترجمه ی یحیی سیدمحمدی (۱۳۸۹). تهران: نشر روان.
- اکبری، ابراهیم؛ عظیمی، زینب؛ طالبی، سعیده و فهیمی، صمد. (۱۳۹۵). پیش بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مؤلفه های آن. روانشناسی بالینی و شخصیت-دانشور رفتار سابق، ۱۴ (۲): ۷۹-۹۲
- اکبرزاده، داوود؛ اکبرزاده، حسن و محمدزاده، علی. (۱۳۹۴). مقایسه مهارت های ارتباطی، بهزیستی روانی و ناتوانی هیجانی در بین زنان متقاضی و غیرمتمقاضی طلاق. مجله دانشگاه علوم پزشکی کرمان، ۲۳(۱)، ۹۴-۱۰۵.
- بازیار، صادق. (۱۳۹۵). بررسی رابطه سازگاری زناشویی و طلاق عاطفی در بین زوجین ۴۰ - ۲۵ سال شهر نورآباد، کنفرانس بین المللی آینده پژوهی، علوم انسانی و توسعه، مالزی، مرکز توسعه آموزشهای نوین ایران.
- باستانی، سوسن. (۱۳۹۱). طلاق عاطفی: علل و شرایط میانجی، مسائل اجتماعی ایران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان، ۱۴(۵۶)، ۲۶-۳۲.
- بخارایی، آرش. (۱۳۸۶). جامعه شناسی زندگی های خاموش در ایران (طلاق عاطفی). تهران: انتشارات پژواک جامعه.
- پروین، ستار؛ داودی، مریم؛ محمدی، فریبرز. (۱۳۹۱). عوامل جامعه شناختی مؤثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی. فصلنامه مطالعات راهبردی زنان. ۱۴(۵۶)، ۱۱۹-۱۵۳.
- پیمانی، محسن. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و سبکهای دلبستگی با تعارضات زناشویی زوجین بدون مشکل زوجین در حال طلاق. کنفرانس جهانی روانشناسی و علوم تربیتی، حقوق و علوم اجتماعی در آغاز هزاره سوم، شیراز، ایران.
- تقوی، نعمت الله. (۱۳۸۶). جامعه شناسی خانواده. تهران: انتشارات پیام نور، چاپ هفتم.
- حسن زاده کبری. (۱۳۹۴). مقایسه امید به زندگی و جو عاطفی مردان در آستانه طلاق و مردان عادی. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- خسرو جاوید، مهناز. (۱۳۸۱). بررسی اعتبار و روایی سازه مقیاس هوش هیجانی شوت در نوجوانان. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی عمومی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- دیندار، الهام؛ مهدوی، محمدصادق و سیدمیرزایی، سیدمحمد. (۱۳۹۷). بررسی رابطه ی بین مهارت های زندگی و طلاق عاطفی (مورد مطالعه: افراد متأهل شهر شیراز) مجله زن و جامعه، ۹(۳۶)، ۱۵۳-۱۷۶.
- راستگو، اعظم؛ نادری، عزت الله؛ شریعتمداری، علی و سیف نراقی، مریم. (۱۳۸۹). بررسی تاثیر آموزش سواد اطلاعاتی اینترنت بر رشد مهارت های حل مساله دانشجویان، رهیافتی نو در مدیریت آموزشی، ۱(۴)، ۱-۲۲.

- رسولی تبار، محمدرضا و جابری، سیدعلی. (۱۳۹۶). بررسی رابطه بین سواد عاطفی و حل تعارض با طلاق عاطفی در زوجین شهر کرمانشاه. فصلنامه مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، ۲۵(۳)، ۱۳۹-۱۴۸.
- رضایی، علی محمد؛ میرزاده کوهشاهی، فرشته و یعقوبی ترکی، الهام. (۱۳۹۶). تعاملات عاطفی زوجین و نقش آن در طلاق عاطفی و اقدام به طلاق: یک پژوهش کیفی. خانواده پژوهی، ۱۳(۱)، ۵۸۵-۶۰۴.
- رقیبی، مهوش و قره چاهی، مریم. (۱۳۹۲). بررسی رابطه بین هوش هیجانی و هوش معنوی در زنان و مردان در شرف طلاق و سازگار. فصلنامه زن و جامعه، ۴(۱۳)، ۱۲۳-۱۴۰.
- روستایی، مرتضی؛ جانقربانیان، فاطمه و قدیری، مینا. (۱۳۹۴). مقایسه شیوه های حل مسئله در زنان و مردان متقاضی طلاق و عادی، اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری، شرکت علمی پژوهشی و مشاوره ای آینده ساز، دانشگاه پیام نور نکا.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۸۲). مقدمه ای بر جامعه شناسی خانواده. تهران انتشارات سروش، چاپ ششم.
- سامانی، فرامرز. (۱۳۹۲). بررسی رابطه ابعاد شخصیتی و حمایت اجتماعی ادراک شده با طلاق عاطفی در زوجین. پایاننامه کارشناسی ارشد روانشناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.
- سیدیان، مرضیه. (۱۳۹۲). مقایسه ویژگی های شخصیتی و هوش هیجانی در زنان قربانی خشونت های خانگی و زنان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد، واحد اردبیل.
- سیف نراقی، منصور. (۱۳۸۶). روانشناسی اجتماعی. تهران، انتشارات آوای نور.
- صفائی راد، سوری؛ وارسته فر، افسانه. (۱۳۹۲). رابطه بین تعارض های زناشویی با طلاق عاطفی زنان مراجعه کننده به دادگاه های شرق تهران. پژوهش اجتماعی، ۲۰(۱)، ۸۵-۱۰۶.
- علیمندگاری، ملیحه و بی بی رازقی، حجه. (۱۳۹۵). بسترهای اقتصادی موثر بر تصمیم گیری زوجین به طلاق؛ مطالعه موردی شهر تهران. پژوهشنامه زنان، ۷(۱۱)، ۱۱۷-۱۴۵.
- فخری، مریم السادات؛ مهدویان فرد، راحله و کیمیای، سیدعلی. (۱۳۹۷). پیش بینی احتمال طلاق زنان براساس دلبستگی اجتنابی، دلبستگی اضطرابی و مهارت حل مسئله خانواده. فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۳۳(۳)، ۲۲۲-۲۰۷.
- قاسمی، نوشاد و احدی، حسن. (۱۳۸۲). بررسی روند رشد مهارتهای حل مسئله و راهبردهای فراشناختی کودکان ۳ تا ۱۱ سال. دانش و پژوهش در روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خورسگان (اصفهان). ۱۵(۴)، ۳۹-۶۰.
- کریمی پور زارع، فرزاد؛ جوکار کمال آبادی، مهناز و سادات حسینی، فریده. (۱۳۹۶). تعیین نقش هوش هیجانی و سلامت معنوی در پیش بینی طلاق عاطفی افراد متأهل شهر بوشهر. پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ۵(۹)، ۹۳-۱۱۲.

- کلارک، آ. کرینا، اس. (۲۰۰۰). طلاق (علل و پیامدها). ترجمه سعید صادقی، مجتبی ناجی، نفیسه کریمیان. (۱۳۹۱). اصفهان: انتشارات پیغام دانش، چاپ چهارم.
- گاتمن، جان. (۱۳۸۷). موفقیت یا شکست در ازدواج (چگونه ازدواجی پایدار داشته باشیم). ترجمه ارمغان جزایری. تهران: انتشارات خجسته.
- گلمن، دانیل. (۱۳۸۴). کتاب استرس و روشهای مقابله با آن. انتشارات باغ رضوان.
- گلمن، دانیل. (۱۳۸۷). کتاب هوش عاطفی. ترجمه: محمد نریمانی، توکل محمد موسی زاده، انتشارات باغ رضوان.
- محزون زاده، فاطمه. (۱۳۹۶). رابطه بین مهارت حل مسئله و خلاقیت دانشجویان با نقش واسطه‌گری خودکارآمدی تحصیلی: مدل یابی معادلات ساختاری. فصلنامه علمی، پژوهشی ابتکار و خلاقیت در علوم انسانی، ۴(۲۴)، ۲۷-۵۰.
- محمدی، بتول؛ بهادران باغبادرانی، شیوا و وحید دستجردی، منیره. (۱۳۹۸). بررسی رابطه هوش هیجانی بر طلاق عاطفی زوجین کارمند. چهارمین کنفرانس بین المللی پژوهش های مدیریت و علوم انسانی در ایران، تهران، ایران.
- محمدی، زیبا. (۱۳۸۳). بررسی آسیب های اجتماعی زنان در دهه ۱۳۸۰-۱۳۷۰. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان
- مرادیان، علی. (۱۳۹۱). بررسی مقایسه مهارت های حل مسائل و راهبردهای مقابله با استرس در دانش آموزان دارای نشانه های وسواس فکری عملی و دانش آموزان عادی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی رشت.
- منادی، مرتضی (۱۳۸۳). تاثیر تصورات و تعاریف مشابه در رضایت از زندگی زناشویی از دیدگاه زنان در مطالعات زنان. تهران: انتشارات بشری.
- منصوری، بهرام. (۱۳۸۰). هنجاریابی پرسشنامه هوش هیجانی سیر یا شرینگ در بین دانشجویان کارشناسی ارشد دانشگاه های تهران. پایان نامه ارشد. دانشگاه علامه.
- منصوری، شیوا. (۱۳۸۵). تأثیر تعارضات زناشویی بر رابطه متقابل زوجین. پایان نامه کارشناسی ارشد مشاوره، دانشگاه آزاد اسلامی رودهن.
- موسوی، سیده فاطمه، رضازاده، سید محمدرضا. (۱۳۹۳). بررسی نقش نگرش به عشق در پیش بینی طلاق عاطفی زنان و مردان متأهل شهر قزوین. مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۳(۳)، ۱۶۴-۱۸۸.
- هاشمی، سیده فاطمه؛ اصغری، محمد جواد. (۱۳۹۵). نقش سواد عاطفی در پیش بینی طلاق عاطفی با میانجیگری حل تعارض. فصلنامه آموزش، مشاوره و روان درمانی، ۵(۱۷)، ۵۹-۷۲.

- یعقوب زاده، ابراهیم؛ عباسی، حسین و حسینی، حسین. (۱۳۹۳). نقش سلامت معنوی و هوش معنوی در پیش بینی طلاق عاطفی. اولین همایش علمی پژوهشی علوم تربیتی و روانشناسی آسیب های اجتماعی و فرهنگی ایران، تهران، ایران.
- یارمحمدیان، احمد؛ ریحانی، فاطمه و قادری، زهرا. (۱۳۹۱). رابطه بین هوش هیجانی و مکانیسم های دفاعی در بین زوج های در آستانه طلاق و عادی. مجله روشها و مدل های روان شناختی، ۲(۷)، ۴۷-۶۱.
- Abraham, R. (۲۰۰۷). Negative affectivity: moderator or confound in emotional dissonal out come relation. J Psychol. ۱۳۳(۱):۶۱-۷۲.
- Amato, PR., & James, S. (۲۰۰۹). Divorce in Europe and the United States: Commonalities and differences across nations.
- Bar-on, R. & Parker, L. (۲۰۰۰). Emotional & social intelligence insights from emotional quotient inventory (EQi). In: Bar-on R & Parker, J DA (Eds).
- Bar-on, R. (۱۹۹۷). The Emotional Quotient Inventory(EQ-I): A test of Emotional Intelligence. Toronto, Canada : Multi- Health . systems . Inc.
- Bar-on, R. (۲۰۰۰). Emotional and Social Intelligence: Insights from a Emotion Quotient Inventory. INR .Bar-on & J .Parker (EDS), A Handbook of Emotional Intelligence .San Fransisco: Jossey - Bass.
- Bisatoon, A. Loqman, R. & Osman, A. (۲۰۱۷). The Relation between Emotion Regulation Strategies And Marital Satisfaction Of Youths In Sardasht. Indian Journal of Fundamental and Applied Life Sciences. ۵(۱), ۵۵۵۵-۵۵۶۰.
- Chang, E.C., Dzurilla, T.T. & Sanna, L.G. (۲۰۱۰). Problem solving: theory. Research and training. Washinngton. D.C; americal psychological Association.
- Ciarrochi, J., Forgas, J. & Mayer, J. (۲۰۰۱). Emotional Intelligence in every day's life, Philadelphia, PA: psychology press.
- Daugherty, B. (۱۹۹۱). Building Stronger Marriages and Families .United States of America: Published by Harrison House.
- Dzurilla, T. & Sheedy, A. (۱۹۹۲). Problem solving therapy. A social competence approach to clinical intervention. (۲nd ed) New York: Spring.
- D'zurilla, T. J. & Nezu, A. M. (۲۰۰۷). Social problem solving in adults. In: p.c Kendall, editor, advances in cognitive-behavioral research and therapy, Jorntl of New York academic, ۱: ۲۰۱-۲۷۴.
- Elliot, A.J., Gable, S.L. & Mapes, R.R. (۲۰۰۶). Approach and avoidance motivation in the social domain. Personality and Social Psychology Bulletin, ۳۲(۲), ۳۷۸-۳۹۱.
- Elliot, T. R., Shewchuk, R. M. & Richard, J. S. (۱۹۹۹). Caregiver social problem solving abilities and family member adjustment to recent-onset physical disability. Rehabilitation Psychology, ۴۴(۱), ۱۰۴-۱۲۳.

- Ellison, C. G., Walker, A. B., Glenn, N. D., & Marquardt, E. (۲۰۱۱). The effects of parental marital discord and divorce on the religious and spiritual lives of young adults. *Social Science Research*, ۴۰(۲), ۵۳۸-۵۵۱.
- Foran, H. M., O'Leary, K. D., & Williams, M. C (۲۰۱۲). Emotional abilities in couples: A construct validation study. *The American Journal of Family Therapy*, ۴۰(۳), ۱۸۹-۲۰۷.
- Ganth, D. B., Thiyagarajan, S & Nigesh (۲۰۱۳). Role of infertility, emotional intelligence and resilience on marital satisfaction among Indian couples. *International Journal of Applied Psychology*, ۳(۳), ۳۱-۳۷.
- Goldstein, H. (۱۹۹۰) *Problem-Oriented Policing*. New York: McGraw-Hill.
- Goleman, D. (۱۹۹۸ a). What Makes a Leader? *Harvard Business Review*, ۷۶(۶), ۹۳-۱۰۲.
- Goleman, D. (۱۹۹۸ b). *Working with the Emotional intelligence*. A Bantam Book.
- Goleman, D. (۲۰۰۱). An EI-Based Theory of Performance. [www. eiconsotum.org](http://www.eiconsotum.org).
- Goleman, D., Boyatzis, R. & McKee, A. (۲۰۰۲). *Primal Leadership: Realizing the Power of Emotional Intelligence*. *The Leadership Quarterly*, ۲۱۷: ۱-۴.
- Gottman, J. M. (۱۹۹۹). *The marriage clinic: A scientifically-based marital therapy*. WW Norton & Company.
- Greaves, J. & Brad, B. (۲۰۰۳). *Team Emotional Intelligence*. available at [www. talentsmart.com](http://www.talentsmart.com).
- Gully, S. M. & Eden, D. Terry, P. Humphreys, M. Wood. D.A & Parker, J. (۲۰۱۲). Alexithymia and satisfaction in intimate relationships *Personality and Individual Differences*. ۴۱(۱), ۴۳ - ۴۷.
- Hardin, S.B. & Weinrich, S. & Garrison, C. (۲۰۰۲). Effect of long term psychosocial nursing in terrention adolescents exposed to catastrophic stress. *Issues -Hental health Nursing*; ۲۳(۶), ۵۳۷-۵۵۱.
- Heppner, P.P & Anderson, W.P (۱۹۸۵). The relationship between problem solving self-appraisal and psychological adjustment. *Cognitive Therapy and Rescarch*. ۹ (۴). ۴۱۵-۴۲۷.
- Hosseini, F. (۲۰۰۵). Comparison of Parental marital conflict with marital conflict of their married children. *Journal of Educational new Thought*; ۱۲(۱): ۸۱.
- Hosseini, F. (۲۰۰۵). Comparison of Parental marital conflict with marital conflict of their married children. *Journal of Educational new Thought*; ۱۲(۱): ۸۱.
- Kalmijn, M. (۲۰۰۵). Differential Effects of Divorce on Social Integration". *Journal of Social and Personal Relationships*, ۲۲, ۴, ۴۵۵-۴۷۶.
- Kooker, B.M., Shoultz, J. & Codier, E. (۲۰۰۷). Identifying Emotional Intelligence in Professional Nursing Practice. *Journal of professional nursing*, ۲۳(۱), ۳۰-۳۶.

- Laur, H., & Laur, C. (۲۰۰۷). *Marriage & Family: The Quest for Intimacy*, New York: McGraw Hill.
- Lavalekar, A. Kulkarni, P. & Jagtap P. (۲۰۱۱). Emotional intelligence and marital satisfaction . *Journal of Psychological Researches(JPR)*, ۵(۱), ۱۸۵-۱۹۴.
- Mayer, J.D., Salovey, P., Caruse, D.R. & Sitareniose, G. (۲۰۰۱). Emotional intelligence as standard intelligence. *Emotion*.
- Mohsenian, M., Karamlou, S., & Ganajavi, A. (۲۰۰۷). The relationship between self-differentiation and emotional intelligence in those who seek divorce, *The Quarterly of Family Studies*, ۳(۱۲), ۸۲۷-۸۳۷.
- Mousavi, M. Rashidi, A. & Golmohammadian, M. (۲۰۱۷). The effectiveness of acceptance and commitment therapy on increasing the marital satisfaction of veteran and free wives. *Journal of Applied Counseling*, (۲) ۵, ۹۷-۱۱۲.
- Musai, M. (۲۰۱۱). The Relationship between Divorce and Economic-Social Variables in Iran". *British Journal of Arts and Social Sciences*, ۱(۲), ۳۶- ۴۱.
- Olson, H., & Defrain, J. (۲۰۰۶) *marriage and families*, New York: McGraw Hill.
- Prasanthi, S., & Devi, M. S. (۲۰۰۹). Relationship between Emotional Competence and Marital Satisfaction Levels of Married Couples. *Journal of Education & Psychology*, ۶۵(۱-۴), ۶۲-۶۷.
- Robbins, S. (۲۰۰۳). *Organizational behavior*, ۹th ed. prentice hall, Inc.
- Rossen, E., & Kranzler, J. H (۲۰۰۹). Incremental validity of the Mayer-Salovey-Caruso Emotional Intelligence Test Version ۲.۰ (MSCEIT) after controlling for personality and intelligence. *Journal of Research in Personality*, ۴۳(۱), ۶۰-۶۵.
- Sahebihagh, M. Khorshidi, Z. Barzanjeh Atri, SH. Jafarabadi, M. & Hassanzadeh, H. (۲۰۱۸). The Rate of Emotional Divorce and Predictive Factors in Nursing Staff in North of Iran. *International Journal of Women's Health and Reproduction Sciences*, ۶(۲), ۱۷۴- ۱۸۱.
- Sahebihagh, MH., Khorshidi, Z., Atri, SB., & Jafarabadi, MA. (۲۰۱۷). Investigating the relationship between self-efficacy and emotional divorce among nurses in the city of Rasht, Iran. *Ann Trop Med Public Health*, ۱۰(۶), ۱۵۹۶-۱۶۰۰.
- Salovey, P., Mayer, JD., Bedell, B.T. & Detweiler, J.B. (۲۰۰۰). Current directions in emotional intelligence research. *Handbook of emotions* ۲nd ed. New York: Guilford press, ۲۰-۵۰۴.
- Sanamnejad, Gh.A., Pashavi, Gh., Oftadehal, M., Ostadhasanloo, H., Khodayarifard, M., Aryan, Kh., & Farahani, H. (۲۰۱۱). Emotional intelligence and self-concept in people with and without failure in love. *Procedia – Social and Behavioral Sciences*, ۳۰: ۱۴۴۷ □ ۱۴۵۱.
- Shinde, R.R. (۲۰۱۸). A Comparative Study of Emotional Intelligence among Bachelor and Married Women. *The International Journal of Indian Psychology*, ۱۲(۲), ۵۴- ۶۱.

- Shure, M. B. (۲۰۰۱). I can problem solve: An interpersonal cognitive problem solving program (۲nd ed). Champaign, IL: Research Press.
- Smith, L., Ciarrochi, J., and Heaven P.C.L. (۲۰۰۸). The stability and change of trait emotional intelligence, conflict communication patterns, and relationship satisfaction: A one-year longitudinal study. *Personality and Individual Differences*, ۴۵: ۷۳۸-۷۴۳.
- Stys, Y. & Brown, S. L. (۲۰۰۴). A Review of Emotional Intelligence Literature and Implication for Correction. Research Branch Correctional Service of Canada.
- Tebes, JM.(۲۰۱۵). Contextual Factors and Environmental Differences Between Couples Divorce Compromised and not Compromise. *Aula Orientalis*; ۱(۱), ۷-۱۰.